

حضرت علی ابن حمزه

استاد محمد نعمتی - دکتر سعید قاضی پور - مهندس سید احد امامی

بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست

- (۱) مقدمه
- (۲) زندگینامه
- (۳) باوری اسطوره ای و افسانه ای
- (۴) بقعه حضرت علی ابن حمزه
- (۵) دو امامزاده مجاور
- (۶) سر در ورودی مقبره
- (۷) گنبد زیبا و مرتفع فیروزه ای
- (۸) دارالقرآن و کتابخانه مرحوم آیت الله سید محمد امام (ذوالانوار)
- (۹) بعضی مشاهیر مدفون در حرم مطهر
- (۱۰) توضیحات استاد نعمتی
- (۱۱) عکاسی و معماری
- (۱۲) منابع و مأخذ

(۱) مقدمه

انگیزه‌ی تهیه‌ی کتاب حاضر درخواست دوست قدیمی و جوان فعال و ارزشمند جناب آقای جاویدیان بود که در سال‌های اخیر منشأ تحولاتی در حرم حضرت شده‌اند و در عین حال یاد استاد وارسته عالم ربانی فقیه برجسته مرحوم حضرت آیت الله امام (قدس الله نفسه الزکیه)

مشوقمان شد. امید که مقبول خداوند باری تعالی و معصومین عالم (علیهم السلام) و ارواح همه‌ی مدفونین در این بقعه‌ی شریف و نمازگزاران و زائرین و خوانندگان کتاب واقع گردد.

## (۲) زندگینامه حضرت

علی بن حمزه بن موسی (ع) پیامبر نیست ، امام واجب الطاعه نیست ، اما نوه ی امام ، و شهید والاتباری است که بدون فرزند از دار دنیا رفت .<sup>۱</sup> حضرت علی بن حمزه ، از نوادگان امام موسی کاظم (ع) می باشد . حرم باشکوه او یکی از مزارات مجلل استان فارس و شهر شیراز است . خفته در این بقعه ی مبارکه ، یکی از ستارگان آسمان سیادت و گلی از بوستان نبوت و ولایت ، امامزاده جلیل القدر حضرت علی بن حمزه بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب (ع) می باشد که نسب شریفش با یک واسطه به امام موسی کاظم (ع) منتهی می گردد .

شرافت نسبی وی بالاتر از آن است که قلم توان ترسیم گوشه ای از مجد و عظمت آن نسب والا را داشته باشد .

علی بن حمزه (ع) کوکب درخشنده ای است که از برج امامت طلوع کرده و در آغوش فرزند برومند امام موسی (ع) تربیت یافته است ؛ چون او نوه ی امام موسی کاظم (ع) و عموهایی همچون علی بن موسی الرضا (ع) ، احمد بن موسی (ع) و قاسم بن موسی (ع) و ... دارد . همه نیاکان و عموهای وی ، مشعل داران امامت ، پرچم داران هدایت ، اسوه های فضیلت و استوانه های ولایتند ؛ چرا که علی فرزند ابوالقاسم حمزه و او فرزند موسی بن جعفر بن اکثر علمای متأخر انساب ، فرزندان علی بن حمزه بن حمزه بن موسی (ع) را به علی بن حمزه بن موسی (ع) منتسب نموده و خلط و اشتباه کرده اند ، که من جمله مرحوم ضامن بن شذقم و مرحوم فیض و دیگران است . و علی بن حمزه بن موسی (ع) بدون فرزند از دنیا رحلت نموده و اجماع علمای انساب مزید این قول است .

شاید کمتر امامزاده ای باشد که علمای انساب و بزرگان رجال ، تصریح به محل دفن او در مکان خاصی نموده باشند .

<sup>۱</sup> نامه ی شیراز ، جلیل عرفان منش ، صفحه ۳۳۱ .

خوشبختانه ، درباره ی علی بن حمزه بن موسی (ع) اتفاق و اجماع علمای انساب بر این می باشد که وی در این مکان مقدس آرمیده است . قول علامه نسّابه ابوالحسن عمری - از اعلام قرن پنجم - است که می گوید :

"علی بن حمزه ، درج قبره بباب اصطرخ من شیراز"<sup>۲</sup>.

علی ابن حمزه (ع) در دروازه اصطرخ شیراز مدفون است .

(۳) باوری افسانه ای و اسطوره ای در شهادت حضرت

حکومت بنی عباس جاسوسانی در تعقیب او فرستاد ، تا آن که خدا شهادت را نصیب او فرمود . روزی با پشته هیزمی از کوه سرازیر شد ، یکی از جاسوسان حکومت او را دید و با خالی که در صورت داشت ، او را شناخت ، به یکی از مأموران بنی عباس گزارش داد . آن مأمور سوار بر اسب و به تعقیب سید رفت ، تا او را یافت و از نامش پرسید ، گفت : علی ؛ از نام پدرش پرسید ، گفت : حمزه ؛ از نام جدّ او پرسید ، گفت : موسی ؛ ظالم از مرکب پیاده شد و سر از بدنش جدا کرد و رفت .

گویند : سید برخاست و سر بریده اش را در دست گرفت و به راه افتاد ، تا رسید به جایی که مزارش در آن جا قرار دارد ، بر زمین افتاد . چند روز بر او گذشت و از سر مقدسش لا اله الا الله شنیده می شد . سپس عده ای از مسلمانان او را در آن نقطه دفن کردند . گویند : سر مبارکش را به دمشق فرستادند و بدنش را در همان جا به خاک سپردند .

در تمام نقل ها ، پس از آن ، این بیت شعر نیز افزوده شده است که به حافظ شیرازی منتسب است .

تن آن کشته بنام که پس از کشته شدن سر خود گیرد و اندر پی قاتل برود

زندگی مخفیانه حمزه را هفت سال نزد باباکوهی در صومعه ای نزدیک کوه نوشته اند که ظاهراً شبیه افسانه می باشد تا واقعیت .

(۴) بقعه حضرت علی ابن حمزه :

در کنار پل دروازه اصفهان شیراز با درب منبت کاری ورودی قدیمی و بسیار زیبا می باشد مزاری متبرک است و مشهور در محله باغ قتلغ شیراز.<sup>۳</sup> بنای اصلی بقعه را به زمان عضدالدوله دیلمی نسبت داده اند که بعدها در زمان صفویه و شهریار زند و قاجاریه تعمیراتی در آن بعمل آمده است.<sup>۴</sup>

فضای اصلی امامزاده آینه کاری شده است ، آینه کاری داخلی بنا که بر روی ازاره ای مرمری قرار گرفته ، تمامی سطوح داخلی فضا را می پوشاند و کیفیتی جالب بدان می بخشد.<sup>۵</sup>

#### (۵) دو امامزاده مجاور

همچنان که بعداً اشاره خواهد شد ، در گذشته پیرامون بقعه ی مبارکه حضرت علی بن حمزه (ع) قبرستان وسیعی به نام جوان آباد قرار داشت که جمع کثیری از سادات و شخصیت های معنوی و اجتماعی شیراز در قرون گذشته در آن جا مدفون بودند . از آن همه ، امروزه تنها اثر دو قبر در مجاورت آستان علی بن حمزه (ع) مشاهده می شود .

#### الف) شاهزاده حسین

کنار پل کریم خانی که امروزه به آن پل علی بن حمزه (ع) نیز می گویند ، مزار کوچکی که از آثار تاریخی است ، به چشم می خورد . این بقعه که به شاهزاده حسین مشهور است ، در حدود دویست متری حرم مطهر علی بن حمزه (ع) قرار دارد . در گذشته از رونق خوبی برخوردار بود ، که قسم اعظم آن به جهت اینکه در مسیر خیابان قرار گرفته بود ، تخریب شد .

#### ب) شاهزاده حسن

در سه راهی خیابان حافظ و عماد و جنب هنرستان صنعتی ، حدود ۸ متری پشت بقعه ی علی بن حمزه (ع) ، مزاری است که اهالی آن را شاهزاده حسن می گویند .

در این بقعه هیچ اثر باستانی دیده نمی شود . بنا شامل یک اتاق است که مضجع امامزاده در وسط آن قرار گرفته و دیوارهای بیرون بقعه با رنگ سبز ، که شعار علویان بود ، رنگ آمیزی شده است .

<sup>۳</sup> تذکره ی هزارمزار ، عیسی ابن جنید شیرازی، صفحه ۳۰۵ .

<sup>۴</sup> شیراز ، علی سامی، صفحه ۵۸۵ .

<sup>۵</sup> نامه شیراز ، جلیل عرفان منش، صفحه ۳۱۲ .

## (۶) سر در ورودی

سر در ورودی حرم مطهر علی بن حمزه (ع)، حکایت از نوع مختلف معماری در دوره های مختلف شهر شیراز دارد. به شهادت بنا، چند اثر مهم در همین سر در واقع شده است که عبارتند از:

### الف) در منبت

در ورودی حرم مطهر از دو لنگه ی چوبی از چوب های فوفل هندوستان ساخته شده است و از آثار برجسته ی هنری می باشد که بر روی آن، ظرافت هنری خاصی از نوع منبت به کار رفته و خطوط اصلی در و اسمای جلاله آن به خط ابراهیم سلطان می باشد.<sup>۶</sup> جانبین این در توسط سنگ سماق قرمز بلند نگهداری می شود و نیزی لبه ی آن تراشیده شده است که تشکیل یک پایه ی کوچک را می دهد.

علی سامی درباره ی این در می نویسد: "در منبت کاری ورودی این بقعه، قدیمی و بسیار زیباست."<sup>۷</sup> با وجود آنکه این در متعلق به دوره ی تیموری است و بر اثر مرور زمان، خاک های زیادی بر بدنه و لای منبت های آن نشسته بود، اما با مختصر تعمیرات، هویت خود را به دست آورد و همچنان همان زیبایی را دارد. هیأت امنای جهت حفاظت از منبت های این در، بر روی آن شیشه ای ضخیم کشیده اند.

### ب) کتیبه ی ابراهیم سلطان

این کتیبه در سنگ سماقی به طول ۳ و عرض ۸۰ سانتی متر، بر بالای در ورودی به صحن نصب است. ابراهیم سلطان، فرزند شاهرخ تیموری، با قلمی درشت و خط ثلث عالی این حدیث را بر روی آن نوشته و بعداً اطراف آن را خالی کرده است، به طوری که خط مزبور برجسته مانده است:

"قیل لإبراهیم بما إتخذک الله خلیلاً قال ما تغذیت و ما تعشیت إلا مع الضیف، کتبه ابراهیم سلطان."<sup>۸</sup>

<sup>۶</sup> شیراز، نگینی درخشان در فرهنگ و تمدن ایران: ۲۰۶.

<sup>۷</sup> شیراز، علی سامی: ۳۲۸.

<sup>۸</sup> بناهای تاریخی و آثار باستانی جلگه شیراز: ۱۸۰. شیراز شهر جاویدان: ۶۶، شیراز نگینی درخشان: ۲۰۶، شیراز، علی سامی، ۳۲۸.

نکته : معلوم نیست بدلیل مهمان نوازی مردم شیراز این مضمون بر کتیبه نگاشته شده است یا متأثر از این کتیبه مردم مهمان نواز شده اند .

این کتیبه به جهت قدمت آن ، با شیشه محافظت می شود .

در کتاب راهنمای آثار تاریخی شیراز ، اثر دکتر بهمن کریمی ، این سنگ نوشته چنین توصیف شده است : "از در کهنه قدیمی که وارد این بنا می شویم ، ابتدا دهلیزی دیده می شود و بر بالای در ورودی نسبت به صحن ، سنگ قرمزی نصب و این جمله ی عربی که به خط سلطان ابراهیم بن شاهرخ تیموری است ، بر روی آن رقم افتاده است ."<sup>۹</sup>

خرمایی آن را چنین توصیف می کند : "بعد از گذشتن از در ، به دالانی وارد می شویم که دارای هشت ضلع است و در سقف آن طاقی زده شده است . در پیشانی خروجی این دالان (رو به حیاط) نوشته ی ثلث شیوایی ، بر تکه سنگی مستطیل شکل ، به خط ابراهیم سلطان ، فرزند شاهرخ تیموری نوشته شده است ."

علی سامی ، پس از اشاره به اینکه ، این کتیبه بر روی سنگ سماق مانندی نقر گردیده است ، می نویسد : "این سنگ نوشته مربوط به مضيف خانه ای بود که شاید سلطان ابرهیم ساخته بود و پس از ویرانی بدین جا منتقل گردید ."

ج) کتیبه ی زمان ناصرالدین شاه

کتیبه ای که بالای درِ منبّت و رو به روی سر در ورودی از سنگ مرمر نصب است ، با خط نستعلیق می باشد و تاریخ تعمیر ساختمان امامزاده را در زمان ناصرالدین شاه قاجار ، توسط شاهزاده طهماسب میرزا مؤید الدوله ، به تاریخ ۱۲۷۳ ه ق ، به صورت برجسته نوشته شده است و در چهار ستون می باشد . همچنین این ابیات بر روی آن نوشته شده است :

آنکه شاه آنرا بود ایوان جاهش سجده گاه

در زمان شاه غازی ناصرالدین پادشاه

هم مؤید ملک را و هم مؤید از اله

حکمران ملک جم شهزاده طهماسب که هست

پایه اش بر پشت ماهی ، سایه اش بر روی ماه

داد فرمان تا کنند این گنبد عالی که هست

زاده موسی بن جعفر ساخته آرامگاه

حبذا زین گنبد و ایوان عای کاندرو

<sup>۹</sup> راهنمای آثار تاریخی شیراز: ۵۳.

سال تاریخی "همایون" جست از پیر خرد

گفت احسنت ای سخندان شاعر با فرو جاء

بر فرا بر دومین مصراع زیب آنگاه گوی

بر فراز آسمان شد پایه این بارگاه<sup>۱۰</sup>

(۱۲۷۴ ه ق)

## (۷) گنبد زیبا و مرتفع

گنبد زیبا و مجلل فیروزه ای و موزون حضرت علی بن حمزه (ع) از بناهای با عظمت معماری ایران اسلامی می باشد که در میان گنبدهای ساخته شده بر بناهای مذهبی ، موزونی و ظرافت بی نظیری دارد .

ارتفاع گنبد ۲۵ متر و قطر ساقه ی آن ۳۵ متر و قطر خود گنبد بالغ بر چهار متر است .

بنای گنبد مربوط به قرن معاصر می باشد و یکی از شاهکاری های معماری در آن صورت گرفته است . پایه ی اصلی گنبد به ارتفاع تقریبی ۳ متر و ۱۶ ضلعی منتظم می باشد که ۸ پنجره جهت نورگیری در آن تعبیه شده است . بر بالای این پایه ، ساقه ی زیبای گنبد که به ارتفاع بیش از ۲ متر است ، با مقرنس کاری های زیبا و کاشی کاریهای گره ای به زیبایی آن افزوده است . ارتفاع گنبد از منتهی الیه ساقه آن تا نوک ، کمتر از ۲۰ متر می باشد که همه آن با کاشی های گره ای مزین گشته است .

در سال ۱۳۵۹ شادروان عبدالعلی فصحتی طراحی گنبد بقعه علی ابن حمزه را شامل ترسیم مختصات خط گنبد ، طرح معقلی کاشیکاری سطح گنبد ، طرح اسپرها و اسلیمی ساق اول ، طرح مقرنس ساق دوم ، را به انجام رساند که خط قوس گنبد به سبک غنچه گل رز و به غنچه گلی معروف است .

در زیر مجموعه اجرای این طرح زنده یاد حاج سید رضا رضازاده به سال ۱۳۶۰ کار اسکلت فلزی گنبد را به انجام رساند .

در سال ۱۳۶۱ کاشیکاری آن با اجرای معقلی کاشی نره دستچین توسط استاد اکبر کاراندیش شروع و در سال ۱۳۶۳ به پایان رسید .

<sup>۱۰</sup> بناهای تاریخی و آثار باستانی جلگه شیراز: ۱۷۹-۱۸۰.

گنبد بقعه مذکور از لحاظ تناسب هندسی و نوع رنگ آمیزی کاشیکاری معقلی در زمره یکی از زیباترین گنبدهای استان فارس است .

در سال ۱۳۶۶ ه ش ساختمان گنبد به پایان رسیده و در پایه ی گنبد کتیبه ای به عبارت زیر مشاهده می شود : "ساختمان گنبد به وسیله هیأت امناء آستانه ، حضرت حجه الاسلام حاج سید محمد امام و حاج عباس مددی و حاج حسن عرب زاده در سال ۱۳۶۶ پایان رسید ."

در جانبین بقعه ، دو گلدسته به ارتفاع ۱۴ متر ، همچنان اصالت و قدمت خود را دار است . هر چند این گلدسته ی کوچک ، با آن گنبد مرتفع هیچ سازگاری ندارد ، اما قدمت آن باعث شده که نتوان آن را دست زد .

درست وسط کمان گنبد ، در دو ردیف کاشی به رنگ فیروزه ای و با خط سفید کره ای کتیبه ای به چشم می خورد که عبارتند از : "السلام علیک یا علی بن حمزه علیه السلام ، عبدالعلی فصحتی ، ۱۳۶۸ شمسی و ... "

ارتفاع این بقعه نیز حدود ۱۰ متر می باشد و در جانبین آن دو بالکن قرار دارد که از راه پله های کنار گلدسته ، پس از عبور از ۱۳ پلکان به آن می رسند .

بین این دو بالکن ، ایوان اصلی بقعه است که توسط سه پنجره مشبک حفاظ شده و بر بالای آن کتیبه ای ر بروی کاشی آبی با زمینه های گل و بوته این عبارت نوشته شده است : "هذه البقعه المبارکه حضرت علی بن حمزه بن امام موسی کاظم علیه السلام ، این بنا از عضدلادوله دیلمی ۳۶۶ ه ق است . خط همتائی ، یادبود سید جواد نگهبان شهید عاشوری ۱۳۹۹ قمری " .<sup>۱۱</sup>

#### ۸) دارالقرآن و کتابخانه ی آیت الله سید محمد امام (ذوالأنوار)

در سال ۱۳۵۷ ه ش تأسیس گردید . این کتابخانه در سمت راست حرم مطهر واقع شده و بیش از چهار هزار جلد کتاب دارد که در تمام ایام هفته یکسره فعالیت می کند .

#### ۹) بعضی مشاهیر مدفون در حرم مطهر

در این حرم مطهر و با صفا ، جمه کثیری از بزرگان سادات شیراز ، دانشمندان و امرا سر به آیتان ملک این سید جلیل القدر سپرده اند ، که این بزرگان در زمان حیات خود از موقعیت معنوی و

<sup>۱۱</sup> کتاب علی ابن حمزه علیه السلام، دکتر محمد مهدی فقیه بحر العلوم، بهمن ۱۳۸۸، صفحات ۱۵۳ و ۱۵۴ .



علمی و اجتماعی و سیاسی ویژه ای برخوردار بودند و به پاس احترام به خدماتشان ، پس از وفات کنار مرقد مطهر علی بن حمزه (ع) و پیرامون آن جای گرفته اند . در این بخش ، فقط به بعضی مشاهیر مدفونین اشاره خواهد شد .

۱. فاطمه خاتون – چنان که اشاره شد ، این بارگاه تا زمان امیر عضدالدوله دیلمی ، بدون حرم و گنبد به فراموشی سپرده شده بود ؛ تا اینکه فاطمه خاتون ، خواهر امیر عضدالدوله دیلمی ساختمان بزرگ و گنبدی بلند بر سر قبر حضرت علی بن حمزه (ع) ساخت و این آرامگاه در زمان دیلمیان به آرامگاه خانوادگی آنان اختصاص یافت . به همین دلیل ، احتمال قوی دارد که نخستین فرد از این خاندان ، همین فاطمه خاتون ، بانی قبر حضرت میر علی بن حمزه (ع) باشد که در این مکان آرمیده است ؛ زیرا به نقل مورخان ، وی همسر زید الاسود حسنی است . قبر حضرت علی بن حمزه (ع) فاطمه خاتون ، خواهر عضدالدوله است که از اولین اشخاص مدفون در این حرم مطهر می باشد .

۲. شاهان دخت دختر عضدالدوله دیلمی

۳. عماد الدوله دیلمی

به گفته ی اکثر مورخان ، اولین حاکم از خاندان آل بویه که در این حرم مطهر مدفون شد ، عمادالدوله دیلمی است .

۴. شرف الدوله پسر عضدالدوله

۵. صمصام الدوله پسر عضدالدوله دیلمی

۶. سلطان الدوله پسر بهاء الدوله دیلمی

بهاء الدوله که مدفنش در نجف اشرف است ، فرزندش سلطان الدوله می باشد .

۷. رحیم خان پسر کریم خان زند<sup>۱۲</sup>

۸. ابوالقاسم خان نصیرالملک

از جمله مدفونین در حرم مطهر علی بن حمزه (ع) ، حاکم فارس و مؤسس بقعه ی علی بن حمزه (ع) است که در قبور خانوادگی آیت الله محلاتی قرار دارد .

۹. شیخ علی ابن حبیب الله مجتهد ابیوردی – از علمای دوره قاجار و ابتدای دوره ی پهلوی

<sup>۱۲</sup> فارس نامه ناصری: ۶۱۸.

## ۱۰. آیت الله العظمی حاج شیخ بهاء الدین محلاتی

وی فرزند آیت الله العظمی حاج شیخ محمد جعفر بن آیت الله شیخ محمد حسین بن آیت الله آخوند ملا محمد علی محلاتی است ، که از مشاهیر ، دانشمندان و علمای بزرگ شیراز بود و ایشان نیز در مقبره خانوادگی در امامزاده علی ابن حمزه دفن هستند .

آن بزرگوار در ماه رجب سال ۱۳۱۲ ه ق در نجف اشرف به دنیا آمده و در هفت سالگی در خدمت مرحوم والد بزرگوارش ، به شیراز مراجعت کرد .<sup>۱۳</sup>

## ۱۱. آیت الله سید محمد امام (ذوالانوار)

وی از سادات جلیل القدر و از بزرگان علمای شیراز ، مردی متدین ، با ورع ، متقی و یکی از شخصیت های بی نظیر شهر شیراز بود . ایشان علاوه بر تبلیغ و تشریح احکام شرعی ، مورد اطمینان تمام علمای شیراز به شمار می آمد و از او به عنوان حَکَم در موارد خاص بهره می بردند و حکم وی را نافذ می دانستند . ایشان مسئولیت ریاست امنای حرم مطهر علی بن حمزه (ع) را به عهده داشت و در زمان حیات وی ، منشأ آثار و برکات زیادی ؛ از جمله تعمیر و بازسازی گنبد حرم مطهر علی بن حمزه (ع) ، ساخت بیش از بیست مسجد و حسینیه در شیراز و اطراف آن و رسیدگی به امور معیشتی خانواده های بی بضاعت و مستمند بود .

بر سر مزار او چنین نوشته شده است : هذا المرقد الشریف و المضح المنیف للعبد الصالح المخلص المنیب العالم الراجی الی رحمہ الله حضرت آیت الله حاج سید محمد امام ارتحال ۲۶ محرم الحرام ۱۴۱۵ ه ق برابر ۱۵ تیر ماه ۱۳۷۳ شمسی .

وی بسیار خوش برخورد و خوش مجلس و شوخ طبع بود . اگر ساعت ها در مجلس او می نشستیم ، باز هم انتظار صحبت و شنیدن فرموده های او آدمی را وسوسه می کرد و جدا شدن از محضر پر فیض مشکل بود . حقیر اوقات خوشی از نوجوانی و آغاز طلبگی را در محضر شریف آن مجتهد وارسته تجربه کرده ام .

(۱۰ توضیحات استاد نعمتی:

<sup>۱۳</sup> گنجینه دانشمندان ۵: ۴۵۸-۴۵۹.

سال ۱۳۳۷ دانش آموز کلاس اول دبیرستان بودم! مدرسه ما جنب امامزاده علی بن حمزه علیه السلام قرار داشت که هر روز چهار مرتبه از جلوی آن عبور می‌کردم. البته در طول هشت ماهی که مدرسه می‌رفتیم فرصت نشد که حتی یک مرتبه داخل امامزاده بروم و شاید به فکر آن هم نبودم! تنها یک مرتبه عصر یک روز زمستانی در سال ۱۳۳۳ به همراه یکی از هم کلاسی‌هایم داخل صحن و بعد داخل حرم مطهر رفتیم. دوستم فرزند طلاق بود که برای دیدن مادرش که در منزلی پشت امامزاده زندگی می‌کرد آمده بود که از آن منزل دری داخل حرم باز می‌شد. در دقایقی که او به خانه رفت تا با مادرش دیدار و صحبت نماید و تا بازگشت او که با ۲ عدد پرتقال همراه بود، به در و دیوار و سقف و آینه کاری حرم و مرقد و معجر با کنجکاوای نگریستیم، دقت خاصی نداشتیم و چیز خاصی هم به جز ارتفاع زیاد سقف زیر گنبد نظرم را جلب نکرد اما، هوای ملایم داخل حرم پس از سوز سرمای بیرون آرامش خوبی به من داد و آن آرامش برایم تنها خاطره‌ای بود که از دیدار داخل حرم داشتیم به هر حال سال بعد جای مدرسه ما عوض شد و توفیق دیدار عمارت امامزاده هم از من سلب گردید، اما نام امامزاده علی بن حمزه هم مثل نام شاهچراغ و سید میر محمد و آستانه سید علاء الدین حسین در ذهن من جای داشت به ویژه که هرگاه از طرف دروازه اصفهان به طرف دروازه قرآن می‌رفتیم باید از روی پل رودخانه خشک که به نام پل شاه میر حمزه مشهور بود عبور می‌کردیم این نام گاهی در ذهن من سؤالی را ایجاد می‌کرد که مدفون در این مقام کیست و چه جایگاهی دارد؟! اهل مطالعه بودم، خیلی کتاب می‌خواندم از رمان‌های مختلف تاریخی و پلیسی و عاشقانه گرفته تا کتاب‌های شعر و ادبیات و گاهی هم سنگین تر و پیچیده تر، ولی عجیب اینجا بود که در هیچکدام از کتاب‌ها نامی از علی بن حمزه (ع) ندیدم و تنها در کتاب آثار العجم مرحوم فرصت الدوله شیرازی مختصری در شرح حال ایشان آمده بود که فکر می‌کنم دست مایه کسانی هم که بعد از او در کتاب‌هایشان از علی بن حمزه سخن گفته‌اند همان مطلب مختصر آثار العجم می‌باشد. متأسفانه در مورد

بسیاری از شخصیت‌های تاریخی و مذهبی چیز زیادی جهت مطالعه نداریم و حتی گاهی فقط نامی از آن‌ها می‌خوانیم و دیگر هیچ. و باز هم جای تأسف است که در طول دوران تحصیل هم این بی‌خبری برقرار بود که شاید معلمین ما نیز چیزی در چنته برای گفتن نداشتند. از زمانی هم که موضوع گردشگری یا به تعبیر رایج

آن زمان جلب توریست مطرح بود حکومت وقت التفات چندانی به بنا های مذهبی نداشت و در هر شهر به تناسب از یک یا دو مورد از این گونه اماکن توجه می شد و بیشتر تلاش بر آن بود که از سعدی و حافظ و باغ ارم و باغ عفیف آباد بیشتر صحبت کنند! عجیب اینجاست که حتی از ساعت گل فلکه ستاد که نه از نظر تاریخی مهم نبود و نه از نظر هنری یا صنعتی و نه از نظر طول و عرض و ابعاد عظیم بیشتر از عقاید بزرگان سخن در میان بود و حتی به آثار کریمخانی که از بهترین مجموعه های تاریخی استان فارس در داخل شیراز بود التفات چندانی نمی شد. به عنوان مثال از ارگ مستحکم کریمخانی سال های متمادی از زمان رضا خان تا نیمه سلطنت فرزندش به عنوان زندان استفاده می شد اگر دخل و تصرفات عدیده ای در آن انجام گرفت و حتی مدتی هم مجاور دیوار شرقی آن و در جلوی در ورودی ارگ آمریکائیه که صاحب اختیار مطلق ایران بودند ساختمانی به نام اصل چهار ساختند و با کمال تأسف پنج حلقه چاه فاضلاب را در پایه برج جنوب شرقی حفر کردند که منجر به انحراف بیشتر این برج گردید و این بنا طوری جلوی دیوار ارگ قرار گرفت که تصویر و نقش برکاتی که صحنه جنگ رستم و دیو سفید بود که خیلی ها از آن خاطره داشتند پوشیده و مستور مانده بود بد نیست به نکته جالب دیگری اشاره کنم : در داخل باغ و موزه پارس یعنی باغ نظر که آن هم از مستحذات کریمخان بود، تعدادی سنگ برجسته از پهلوانان اساطیری شاهنامه وجود داشت که کمتر کسی اطلاع داشت که ساخت آن ها مربوط به چه زمانی است و حتی همین امروز هم اکثر قریب به اتفاق مردم شیراز از کم و کیف آن بی اطلاع هستند! این سنگ برجسته ها را بر سر پا کنار هم به صورت سه ضلع یک مستطیل در زمین فرو برده بودند که در اثر رطوبت زمین مقداری از قسمت پایین آن ها فرسوده شده بود . چند سال قبل از انقلاب اسلامی ساختمانی جهت اداره آن درش و پرورش یا با تخریب قسمت دیگری از باغ نظر برپا کردند بعد به سراغ این سنگ برجسته ها رفتند که نمی دانم با چه انگیزه ای آن ها را از جای قبلی در آورده گور به گور کردند و در

سینه دیوار شیب دار پارکینگ اسیر نمودند و تقریباً از حیز انتفاع افتاد و از پیش چشم عابران مستور ماند که دوباره بعد از انقلاب اسلامی بار دیگر این پهلوانان زبان بسته گور به گور شدند و در حیاط جلوی موزه خبردار ایستادند. بعد ها بنده متوجه شدم که این سنگ برجسته ها متعلق به تالار یا کاخ خورشید بود که به دستور

میرزا حسینعلی فرمانفرما در زمان قاجاریه در قسمت شمال غربی باغ نظر برپا شده بود کاش می شد یک بار دیگر شیراز قدیم را بازسازی نماییم به ویژه موقیت جالب و دیدنی باغ نظر را که بزرگترین باغ داخل شهر شیراز محسوب می شد دگر باره مشاهده کنیم البته من نتوانستم که منبع موثقی پیدا کنم که آیا این باغ قبل از کریمخان زند وجود داشته و کریمخان در وسط آن عمارت کلاه فرنگی را بنا کرد یا خود او به احداث این باغ اقدام نمود؟ در هر حال در اوایل حکومت پهلوی اول جهت احداث خیابان کریمخان زند بخش عمده‌ای از این باغ از بین رفت و عمارت خورشید را هم نمی دانم چرا و به چه جهت تخریب کردند و به جای آن عمارت شهرداری شیراز را ساختند که تنها باقیمانده عمارت خورشید همین سنگ نقش برجسته هایی است که از آن نام برده شد! به مطلب اصلی بازگردم با توجه به صبغه مذهبی خانوادگی و ارادتی که طبعاً به خاندان رسول اکرم در میان بود و پایه تربیتی که داشتم و نیز از آن جا که کم کم به فکر شناخت بیشتر آثار تاریخی و مشاهیر آن افتادم که روی این امامزاده هم کنجکاوی پیدا نمودم! اما هر چه بیشتر گشتم کمتر یافتم و غیر از شرح بسیار مختصری که در تمام کتاب های که در این مورد نگاشته شده بود و کامل مشابه یکدیگر بود چیزی ندیدم! شاید منبعی غیر از این ها موجود نباشد و یا من به آن ها دسترسی پیدا نکرده‌ام . فراموش نکرده‌ام مرحوم دکتر شریعتی در مقدمه کتاب فاطمه فاطمه است گلایه کرده بود که چرا درباره حضرت فاطمه آن طور که باید در کتب مذهبی شرح درستی نیامده است و تحقیق جامعی صورت نگرفته؟ من پس از مطالعه مقدمه کتاب امید داشتم که خود دکتر شریعتی در این مورد مطالب مهمی را که ناگفته مانده بود بیان کند! اما کتاب به آخر رسید و مطلبی به جز تکرار مطالب گذشتگان چیزی نیامده بود . با این تفاوت که نسبت به آنچه گذشتگان نگاشته بودند نارساتر و ناقص تر بود! تنها یک جمله در آخر کتاب که به عنوان معروف فاطمه فاطمه است ختم شد، جدید بود لاغیر! دیدم آن بنده خدا هم منبعی دیگر پیدا نکرده به جز آنچه در کتاب های معروف و مطرح آمده

به حرف نیامده‌ای نرسیده . بر این مبنا اکنون هم باید قرار را بر این بگذاریم که در مورد حضرت علی بن حمزه بیش از مطالبی که در همین کتاب آمده گفتار دیگری نداریم . اما فکر کردم اگر راجع به خود ایشان موضوع ناگفته‌ای نداریم لااقل راجع به بنای بقره مقدّس که می توانیم تو تحقیق کنیم و مطلب بنویسیم . نوشته‌اند که

در زمان مفسد الدوله دیلمی در اثر شفا یافتن خواهرش با توسل به قبر حضرت علی بن حمزه که خیلی معمولی و بدون تشریفات بود به دستور او بنایی بر آن قبر برپا کردند و باغی را که مشرف به آن بود وقف آنجا نمود که بنا به مستندات تاریخی می‌توان بر این گفتار صحّه گذاشت. اما آن بنا چگونه بوده و ابعاد یا مشخصات آن چه بوده اطلاعی نداریم. متأسفانه ما در کتاب‌های تاریخ هرگاه تعریفی از بنا یا باغ یا غیر آن می‌خوانیم با عباراتی نظیر: بی نظیر بوده یا سر به فلک کشیده رشک فردوس برین و امثال این‌ها برخورد می‌کنیم که نمی‌تواند تصور درستی از مورد تعریف شده به ما بدهد آیا بنای اولیه قبر حضرت علی بن حمزه هم بی نظیر و سر به فلک کشیده بود متأسفانه هم هیچ تعریف و تشریح دقیق و حتی تقریبی هم نداریم با وجود آنکه موضوع شفا گرفتن از این مزار شریف و بنای آرامگاه بر آن حدود چهارصد سال قبل از کشف مدفن حضرت احمد بن موسی اتفاق افتاده و شاید بتوان گفت اولین امامزاده است که مورد توجه حکومت وقت قرار گرفته و به تکریم آن پرداخته شده ولی با این همه هیچ نشانه‌ای نداریم که عضد الدوله هم مانند ملکه تاشی خاتون در شاه شیخ ابو اسحق اینجو دست به کار بسیار مهمی در مورد مقبره سازی زده باشد و حتی هیچ اشاره‌ای هم به ساخت گنبدی قابل توجه و مزین به کاشی‌های زیبا بر آن گنبد در هیچ کتاب تاریخی نشده! حتی در سفرنامه‌هایی از حدود دوران صفویه یعنی از قرن دهم هجری حدود چهارصد و پنجاه سال پس از ساخت مقبره توسط عضد الدوله دیلمی یا خواهر او نگاشته شده است من چیزی در این مورد ندیده‌ام. آنچه را هم که در مورد اسامی مشاهیر مدفون در این مضجع شریف می‌خوانیم چندان قدیمی نیستند و اگر قبر گذشتگان دوری که مطرح می‌شد در اینجا مدفون بوده‌اند اثری نیست در زمان کریمخان زند یکی از خدماتی که مشار الیه در مورد کلیه بنایای تاریخی حتی باغات مهم انجام داد تعمیر و ترمیم و بازسازی آن‌ها بوده که این کار را در کنار ابنیه‌ای که ساخته می‌توانیم مشاهده کنیم مانند ترمیم و تعمیر پل علی بن حمزه، تعمیر و ترمیم باغ‌های دلگشا و جهان نما یا

تعمیر و ترمیم دروازه قرآن که باقی مانده از زمان عضد الدوله دیلمی بود ساخت مقبره حافظ شیرازی و تهیه و ساخت معجر به روی آن و تهیه سنگ مزاری بسیار زیبا و شایسته برای آن تعمیر اساسی مقبره حضرت احمد بن موسی تعمیر و بازسازی بنایای چهل تنان و هفت تنان در نزدیکی مزار حافظ و موارد متعدد دیگر

که به احتمال نزدیک به یقین در مورد مقبره حضرت علی بن حمزه هم از این کار خدا پسندانه فروگذار نکرده است. بنده به دو دلیل این ادعا را مطرح می‌کنم: نخست از عکس‌هایی که از اوائل دوره ناصری بجا مانده بر می‌آید که دیوارها و طاق‌های بیرونی سمت جنوبی دقیقاً به سبک و شیوه سایر بنایای کریمخانی ساخته شده بوده و دوم این که مقبره فرزند جوانش عبدالرحیم خان زند را که در زمان حیات خود کریمخان سال ..... جوان مرگ شده بود در این مکان قرار داد و قانداً قبر فرزندش را در ویرانه یا محل بی در و پیکری احداث ننموده و اگر بپذیریم که خواهر عضو الدوله دیلمی و چند نفر از شاهزادگان آل بویه مدفون شده‌اند متأسفانه هیچ اثری از مقبره آن‌ها نیست و عبدالرحیم خان زند اولین شاهزاده‌ای است که در این مکان مقدس مدفون شده و سنگ قبر او بر این مورد گواهی صادق است این که نوشته‌اند که پسر دیگری از کریمخان هم قبل از عبدالرحیم فوت شده بود و در این مکان دفن شده، ولی من نتوانستم نشانی از قبر او پیدا کنم. بجاست که از کتاب آثار العجم فرصت الدوله شیرازی در مورد تعمیرات مقبره حضرت علی بن حمزه نقل کنیم که می‌نویسد: وقتی سید مراد خان زند آن را مرمت نمود و بعد با زکی خان و در این ازمنه مرحوم موید السلطنه طهماسب میرزا طاب ثراه عمارت فرمود ...». اینکه کریمخان زند چرا از میان تمام اماکن مقدسه امامزاده‌های مدفون در شیراز این مکان را برای دفن فرزندش انتخاب کرده چیزی نمی‌دانیم اما در هر حال می‌توانیم احتمال دهیم چون حضرت علی بن حمزه در جوانی به شهادت رسید فرزند او هم در جوانی فوت شد در این مکان دفن نموده که اگر بنا را بر این بگذاریم حضرت سید علاء الدین حسین هم در جوانی به شهادت رسید و مقبره او لااقل از قرن دهم هجری بسیار مجلل بر پا شده بوده است. به هر صورت عبدالرحیم خان زند در قسمت جنوبی صحن علی بن حمزه دفن می‌شد را به دستور کریمخان زند سنگ مرمر بی رگه و سپیدی جهت مزار او در نظر گرفته می‌شد که به نظر من زیبا ترین سنگ مزاری است که در شیراز وجود دارد یا بهتر است بگوییم وجود داشته است زیرا در اثر سهل انگاری و

بی توجهی مسئولین بسیار شایسته مربوط که من چندین بار در این مورد تذکر داده و گوشزد کرده‌ام وقتی در برنامه ای در رادیو شیراز بیان کردم و کمک طلبیدم متأسفانه هیچکس به آن توجهی ننموده و اکنون در اثر تابش آفتاب و عوامل طبیعی مانند برف و باران در شرف انهدام کامل است. روی آن سنگ پس از . نقر آیه

شریفه هوالحی الذی لایموت ابیاتی در رثای عبدالرحیم سروده شده و نقر گردید که مصرع اول مطلع آن این است: « صد هزار افغان ز بیداد فلک » و اطراف آن ابیات منقور بر صفحه سنگ مناجات معروف : *الهی بنی عربی و رسول مدنی آمده است*. اما کریمخان به همین بسنده نکرد دستور داد سقفی برای آن بر پایه چند ستون بدون دیوار بسازند. اینکه آن سنگ روی چند ستون استوار بوده برایم مجهول است اما چهار ستون آن که حتماً موجود است و از آنجا که احتمال می‌دادم تعداد ستون ها بیش از چهار عدد باشد مدت ها تفحص کردم که شاید ستون های مشابه آن ها را در جایی بیابم اما نتیجه‌ای نگرفتم. این مقبره هم مانند هزاران بنای دیگر که در شیراز طی دو فقره زلزله بسیار سهمگین که در زمان فتعلی شاه قاجار روی داد ویران گردید که البته ۲ عدد از ستون های آن آنطور که در بعضی از عکس های دوره ناصری آمده هنوز پابرجا بوده است. به احتمال زیاد بنای مقبره علی بن حمزه هم نیمه مخروبه شده بود که در تصویری از دوره ناصری در کتاب به یاد شیراز به خوبی شهود است که بنایی نه چندان زیبا است و دیوار قسمت جنوبی مقبره هم شکاف برداشته وقتی در تصویر دیگری از عکس های قدیم شیراز یکی از ستون های قبر عبدالرحیم زند را که روی خرابه از پا افتاده بود می‌شد مشاهده کرد با آن که فتعلی شاه قاجار بر تجدید بنایای فرو ریخته مهم مانند بنای مسجد وکیل و بنای شاهچراغ و چندین بنای دیگر اقدام کرد اما به تمام انبیه از جمله مقبره علی بن حمزه نرسید و این ساختمان همچنان نیمه مخروبه بر جای ماند تا در زمان حکومت ناصری که اقدام جدی برای برپایی مجدد آن انجام گرفت و دیوار چینی اطراف روی پیمان اسلوب زمان کریمخان ساخته شد. اما این بار بخشی از قسمت جنوبی مقبره را حذف کردند و دیوار جدید را حدود ده متر به داخل کشیدند که با مقایسه عکس قبل از مرمت و بعد از آن کاملاً مشخص می‌شود در نتیجه قبر عبدالرحیم خان زند بیرون از محدوده صحن علی بن حمزه افتاد. طبق پیمان عکس که چاپ شده و موجود است مقبره و حرم اصلی هم وضع اسفناکی داشته و خبری از گنبد مجلل

در تصویر نیست. آیا اصلاً گنبد کاشی کاری شده مثل گنبد موجود فعلی برای مقبره نساخته بودند یا وجود داشته و خراب شده است؟ که شق اول منطقی تر به نظر می‌رسد نظیر بنای امامزاده بی بی دختران که تا امروز هم شخص یا نهادی برای آن گنبد فیروزه‌ای سر به فلک کشیده و گلدسته های رشید نساخته‌اند! و آیا



پس از تعمیرات ناصری برای چه کسی و از چه زمانی به فکر افتادند بر بام این بنای رفیع گنبد فیروزه‌ای بنا کنند که باز هم برای من مجهول است بر بالای در ورودی صحن که مشرف به خیابان است کتیبه‌ای سنگی وجود دارد که روی آن چند بیت شعر در مورد تجدید بنا و تاریخ آن نوشته و نقر گردیده است. این ابیات با خط بسیار زیبای نستعلیق نگاشته شده که کاتب آن مرحوم میرزا محمد علی منشی است که از خوش نویسان بنام آن زمان بوده و به نظر عقیده بسیاری از اساتیر خوشنویس تاکنون سنگ نویسی چون میرزا محمد علی منشی نیامده است! از این خوشنویس سترک کتیبه‌ای بسیار جلی در سمت شمالی ایوان مسجد مشیر شیراز برجا مانده که مضمون آن این است:

حُبَّ عَلِيٍّ حَسَنَتُهُ لَا يَضُرُّهَا مَعَهَا      بغضِ عَلِيٍّ سَيِّئَتُهُ لَا يَنْفَعُ مَعَهَا

درباره این خوشنویس چیره دست مرحوم فرصت الدوله شیرازی در کتاب ارزشمند آثار و العجم چنین نگاشته: « مرحوم میرزا محمد علی نیز نستعلیق نویس بود و تاکنون احدی سنگ و الواح و غیر را به خوبی او ننوشته و آن معروف به میرزا محمد علی منشی رحتمه الله علیه » در ورودی صحن مطهر علی بن حمزه بسیار نفیس و منبت کاری شده است اشکال و حروف آن به ویژه متن کتیبه پای روی در بسیار برجسته منبت شده قسمت پایین این در متأسفانه دچار ریختگی و فرسایش بسیار است اما بیش از دو سوم در سالم مانده این در و کتیبه‌ای که به خط ابراهیم سلطان در داخل صحن بر بالای پیشانی ورودی نصب گردید بنا به تصریح مرحوم علی سامی متعلق به « مضیف خانه» ابراهیم سلطان است تا قبل از اینکه مطلب را بدانم برایم سؤال بود که چرا این در با ساختمان تناسبی ندارد و چرا قسمت انتهایی آن خراب شده است جواب این علت خرابی در هم به نظر من این بود که ورودی مضیف خانه حفاظ کامل در جهت حفظ در، از باران نداشته و اینکه در چه زمانی مضیف خانه ابراهیم

سلطان یا بزبان امروز مهمانسرای او خراب گردیده یا خرابش کرده‌اند مشخص نیست اما به احتمال زیاد این مهمانسرا هم در زلزله های اوائل قرن سیزدهم تخریب گردیده و پس از تعمیر مقبره علی بن حمزه شاید بهترین گزینه‌ای که به کار رفته نصب این در و لقب سنگ بالای سر در داخلی است مشخصات در ورودی

برای شرح است در ورودی به داخل یک هشتی گشوده می‌شود که با یک پیچ وارد صحن حیاط می‌شویم بر پشانی دیوار خارجی هشتی و در بالای در کتیبه‌ای بسیار نفیس و ممتاز و بی بدیل که با خط ثلث نگاشته شده و کاتب آن با قید نام و تاریخ ابراهیم سلطان تیموری است نصب گردیده که خوشبختانه از آسیب‌ها کاملاً در امان مانده و اکنون به وسیله یک حفاظ شیشه‌ای از مواظبت بیشتری برخوردار است این کتیبه هم همانطور که اشارت شد مربوط به مزیف خانه ابراهیم سلطان است به ویژه با توجه به متن کتیبه کاملاً مشهود است که بهترین جا برای نصب آن سر در مزیف خانه بوده به این متن توجه فرمایید: قیلَ لِابِراهِیمِ عَلَیْهِ السَّلَامِ بِمَا التَّخَذَكَ اللهُ خَلِيلاً قَالَ مَا تَفَدَيْتُ وَا مَا تَعَشَيْتُ الْإِمَعَ الضَّيْفُ وَا بِهِ حَضْرَتِ اِبْرَاهِيمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَفْتَه شَدَّ اَزْ چَه رُوی خَدَاوند یِکْتَا تُو رَا بَه دُوستی بَر گَزید بَر اِبْرَاهیم پَاسخ دَاد اَز اَن رُوی کَه هِیچ رُوز و شَبی رَا بَدون مَهْمَان سِپَری نِکْرَدَم! «تناسب این حدیث زیبا را با مهمانسرا می‌توان به خوبی درک کرد. ابراهیم سلطان فرزند شاهرخ میرزای تیموری و نوه امیر تیمور گورکانی است که در زمره شاهزادگان بسیار هنرمند و با ذوق سرشار و ادب متعالی در دوران جوانی به حکومت شیراز منسوب گردید. از اقدامات بسیار ارزشمند او در شیراز برپایی کارگاه بزرگ هنری به ویژه خوشنویسی بود که بر رونق هنری شهر هنر بر در و فرهنگ در شیراز افزود. خودش خطوط ثلث و نسخ و محقق را بسیار خوب و با استادی تمام می‌نوشت از او قرآن بزرگ و نفیسی به خط محقق بر جای مانده که در دو مجلد پانزده جزئی روی کاغذی بسیار ضخیم نگاشته شده که وزن این قرآن در مجموع پیش از چهل کیلوگرم و ابعاد آن چهل و پنج سانتیمتر در شصت و پنج سانتیمتر است این قرآن سال‌های طولانی و شاید چندین قرن بالای دروازه قرآن شیراز قرار داشت و پس از تخریب جاهلانه این دروازه که متعلق به زمان عصر الدوله دیلمی بود و زمان کریمخان هم فرصت شده بود آن را به عمارت کلاه فرنگی واقع در باغ نظر که به عنوان موزه پارس انتخاب شده بود انتقال دادند. در مورد این قرآن نفیس در ادیان مردم عامی شیراز و حتی بسیاری از خواص بادر و

عقیده‌ای بود که می‌گفتند این قرآن به خط حضرت علی امیرالمؤمنین علیه السلام است و از معجزات اوست که یک برگ قرآنش هفده من وزن دارد و تمام آن هم هفده من است! حدود سال یک هزار و سیصد و هفتاد شمسی روی این قرآن که متأسفانه اول و آخر آن افتادگی دارد و ناقص است میان برخی از صاحب نظران این

بحث مطرح بود که به خط یحیی جمال صوفی است یا به خط ابراهیم سلطان تیموری و در این مورد از بنده دعوت کردند که آن را کارشناسی کنم. بنده با توجه به سبک و شیوه نگارش هر دو بزرگوار و مقایسه خطوط مسطور این قرآن با سایر خطوط ابراهیم سلطان و یحیی جمالی صوفی قطعاً و جزئماً نظر دادم که خط ابراهیم سلطان تیموری است نکته بسیار قابل توجه این است که چون پیشوایان دین تأکید داشتند که قرآن را مهجور و بلا استفاده نگذارد در سال های که این قرآن بالای دروازه بوده بخصوص در شب های جمعه در همان اطاق بالای طاق دروازه مجلس قرائت قرآن برگزار می کردند و از این قرآن جهت قرائت استفاده می شده که فرسایش و وصالی بعضی از اوراق که لااقل دو یا سه مرتبه مرمت گردیده گواه این استفاده طولانی زمان است از ابراهیم سلطان تیموری مجموعه بسیار زیبایی از بعضی سور قرآنی به جای مانده که با خطی فوق العاده خوش و محکم و تذهیبی دلنشین نگاشته و آرایش شده است که اخیراً توسط سازمان اسناد ملی مرکز شیراز به چاپ رسیده است. به گفتارمان در مورد مقبره عبدالرحیم زند باز گردیم. سنگ قبر او نزدیک یک صد سال بدون حفاظ افتاده بود و شاید آوار سقف روی آن را پوشانده بود که از آسیب باد و باران و آفتاب محفوظ بماند تا آن که در اوائل قرن حاضر در همان محل هنرستان دخترانه ای ساخته شد و خوشبختانه این سنگ قبر در یکی از اطاق های آن قرار گرفت بی آن که کمتر کسی از وجود آن اطلاع داشته باشد و یا بیننده ای جهت تماشای آن در محل حضور یابد اما باز هم این اتفاق باعث شد که قریب پنجاه سال دیگر محفوظ بماند در اوائل انقلاب جهت تعریض خیابان آن مدرسه تخریب شد و طبعاً راز این سنگ نفیس هم از پرده بیرون افتاد که کم کم دچار فرسایش شده و در حال از بین رفتن آن است اما در مورد ستون های برافراشته شده برقرار او چهار عدد از آن ها را که کاملاً سالم بود در موقع ساخت بنای آرامگاه حافظ به حافظیه انتقال دادند که اکنون در زیر ایوان حافظیه قرار گرفته و ما بقی ستون های ایوان را به دقت از روی آن ستون ها تراشیده اند. تفاوت این چهار ستون تاریخی و عتیقه با سایر ستون ها در دو مورد

است اول که روی بدنه این چهار ستون چند نقش گل به وسیله رنگ کشیده اند که نظیر آن در ستون های ایوان شمالی ارگ کریمخانی چشم نواز است. و نکته دوم که بسیار مهم است این که این چهار ستون یکپارچه تراشیده شده اند در حالی که ما بقی ستون ها از دو قسمت تشکیل شده اند نخست سر ستون ها که به زیبایی

مقرنس کاری شده‌اند و بعد قلم ستون‌ها که روی هم سوار شده‌اند که این کار مرهون دقت نظر و درایت مسئولین و معماران آن زمان است که در حفظ آثار خوب گذشتگان کوشیده‌اند. نمونه دوم از این دلسوزی و دقت نظر در بکارگیری سنگ‌های بدنه حوض داخل باغ نظر و جلوی عمارت کلاه فرنگی است که چون بخاطر احداث خیابان آن حوض را خراب کردند به پیشنهاد معماران و مهندسان آن سنگ‌ها را درآورده به حافظیه انتقال دادند و میان در ورودی حافظیه و ایوان آن کار گذاشتند. مطلب بسیار قابل توجه در مورد این که چرا مقبره حضرت علی بن حمزه تا یک صد سال قبل چندان مجلل نبوده و آنطور که از تصاویر مانده از زمان قاجاریه بدست می‌آید بدون گنبد کاشی کاری و تزئینات مفصل بیرونی بوده و طبعاً در داخل حرم هم خبری از آینه کاری‌های مفصل نبوده است علت این مطلب را باز هم باید با اشاره فرصت الدوله در کتاب آثار عجم به دست آورد و مورد مطالعه و امعان نظر قرار داد. مرحوم فرصت در بیان مقبره و موقعیت آن چنین می‌نگارد بقعه‌ای است شریف و روضه‌ای است منیف واقع در خارج شهر نزدیک دروازه اصفهان.... « اشکال کار در این است که ما وضعیت و موقعیت فعلی این مقبره شریف را در شهر شیراز مشاهده می‌کنیم که این مقبره را داخل شهر و محصور در خیابان‌ها و منازل و اماکن مختلف است اما اگر کمی نزدیک به یک صد سال به عقب برگردیم و محدوده شیراز آن زمان را در نظر بگیریم که حصار و دروازه‌های شیراز عبارت بوده از دروازه اصفهان که دروازه شمالی شهر شیراز بود از سمت مشرق به دروازه باغ شاه و از آن جا به دروازه کازرون و بعد به دروازه جنوبی شیراز یعنی دروازه شاه داعی الی الله و از آنجا به دروازه قصاب خانه و بعد به دروازه سعدی در سمت غربی شیراز و مجدداً به دروازه اصفهان منتهی می‌گردید و آنچه که خارج از این محدوده بود خارج از شهر شیراز محسوب می‌شد. دروازه قرآن هم که اکثر افراد به اشتباه تصور می‌کند یکی از دروازه‌های ورودی شهر شیراز بوده بیرون از شهر شیراز قرار داشت و به عنوان نماد دروازه ورودی بود که تمام مسافران و قوافل شمال شیراز

و نیز آنان که قصد داشتند از این سمت سفر کنند و از تیمن و تبرک قرآنی که بالای دروازه بود احساس امنیت می‌نمودند. دروازه اصفهان در ساحل جنوبی رودخانه خشک شیراز قرار داشت بیرون از دروازه و باروی شمال قطعه آبادی کوچکی بود که به عکس قد و قواره‌اش آن را ده بزرگی می‌نامیدند که اهالی این آبادی

بخاطر آن که محل سکونتشان بیرون شهر بود و دیوار و حفاظ پناهگاهی در برابر هجوم های احتمالی و شبیخون راهزنان نداشتند در کشاکش تنازع بخاطر بقایشان به مردمانی بسیار شجاع و سخت کوش مبدل شده بودند که جبر زمانه و مقتضیات حوادث آن ها را بزنجیر بهادر بار آورده بود و تا همین اواخر مردمان محله ده بزرگی به شجاعت و قدرتمندی مشهور بودند. رودخانه خشک حد فاصل میان شیراز و خارج از آن محسوب می شد که در مواقع بارندگی چون سیل حاشیه شمالی شیراز بود بخش عمده آب های نزولات جوی از طریق آن به دریاچه نمک می ریخت پس از عبور از پل این رودخانه مقبره علی بن حمزه علیه السلام قرار داشت و بعد از چند صد متر مقبره حافظ در فضای ملکوتی مصّلی واقع بود که علت نامگذاری این قطعه به مصّلی از آن جهت بود که در قدیم مردم شیراز نماز های استسقاء عید و عید سعید قربان و عید فطر را که مستحب است در بیرون شهر خوانده شود در این مکان برگزار می کردند و حتی قسمت غربی مصّلی را قربانگاه می نامیدند که نمازگزاران عید قربان پس از اتمام نماز قربانی های خود را در آنجا به یاد حضرت ابراهیم ذبح می کردند و گوشت آن ها را در میان فقرا تقسیم می نمودند! و نیز سر تا سر کوه های شمالی شیراز محل اعتکاف و عبادت و مسکن بسیاری از عباد و زهاد و عرفا و گوشه نشینان بود که در غار ها و پناهگاه های آنجا روز ها و شب ها را به عبادت و تفکر سپری می کردند از جمله حضرت علی بن حمزه هم در یکی از این جایگاه ها پنهانی زندگی می کرد! تا آنجا که خوانده ایم آبادی و خانه سازی در فاصله بین رودخانه خشک تا دامنه کوه های شمالی و دروازه قرآن نبود حتی مقبره حافظ هم تا زمان کریمخان زند معجز و ضریحی نداشت تا آن که به دستور کریمخان زند برای مقبره حافظ هم معجری ساخته و سنگ مرمر زیبا و وزینی روی قبرش نهاده اند دیگر خبری از تشریفات و زینت های گوناگون نبود پس طبیعی است که در مورد مقابر بیرون شهر سازماندهی و تشکیلات و تشریفات فراوان نباشد چون نه از نظر امنیتی این کار عاقلانه بود و نه آنقدر ها زائر مداوم داشتند. حتی در عکس باقی مانده از دوران

قاجار خیابانی در جلو علی بن حمزه را نشان می دهد که منتهی به دروازه قرآن می شده بی آن که در این مسیر آبادانی وجود داشته باشد اما این که اولین گنبد کاشی کاری دقیقاً از چه زمانی روی این مقبره برپا شده محل تأمل و بررسی است. بنای داخلی حرم مطهر به سبک و سیاق زمان زندیه ساخته شده و قدمت بیشتری را نشان نمی دهد ولی تزئینات داخل به ویژه ضریح مطهر بعد از آن به وجود آمده که روی ساخت هنری ضریح

باید توجه داشت. این ضریح ترکیبی از چوب و حاتم و فلزات که در زمینه گرها هست به طور برجسته کار شده و بی تردید زیباترین ضریحی است که در مقابر معتبر که شیراز داریم از نظر هنری به کار پای طلا و نقره و حاتم فعلی فرونی دارد آیا این ضرع مربوط به دوره زندیه است یا پس از آن من تاریخ و نشانه‌ای از آن ندیدم صندوق نفیس دیگری هم مربوط به حضرت سید میر محمد بن موسی الکاظم داریم که گمان می‌کنم فعلاً در موزه شاهچراغ باشد که قدمت آن بیش از این ضریح است. ضریح علی بن حمزه می‌تواند الگوی بسیار مناسبی برای آفرینش کارهای ظریف هنری قرار گیرد. نکته‌ای که در مورد قبرستان جوان آباد لازم به توضیح است این که از نزدیک رودخانه تا اواخر باغ ملی قبرستان بسیار وسیعی بوده که مقبره علی بن حمزه تقریباً در وسط آن قرار داشته شاید علت این که آن قبرستان را جوان آباد گفته اند این است که در سال ۱۲۹۶ شمسی با شیوع و بروز آنفولانزای شدیدی که هزاران نفر به ویژه کودکان و جوانان با ابتلاء به آن جان دادند می‌تواند این باشد که چون این قبرستان بیرون شهر قرار داشت از سرایت بیماری به مردم شهر جلوگیری شود. این قبرستان که از دامنه مصلی شروع می‌شد در سال ۱۳۱۵ شمسی بخش عمده آن تسطیح و قسمت اعظم آن تبدیل به پارک عمومی یا باغ ملی شد و بخشی از آن هم به هنرستان و دبیرستان تبدیل گشت که بعد ها با قسمتی از باغ ملی تبدیل به بیمارستان گردید.

#### (۱۱) عکاسی و معماری :

عکس ها و .....

#### (۱۲) منابع و مآخذ :

- بناهای تاریخی و آثار باستانی جلگه شیراز.
- راهنمای آثار تاریخی شیراز.
- سامی، علی، کتاب شیراز شهر جاویدان.
- شیراز، نگینی درخشان در فرهنگ و تمدن ایران.
- عرفان منش، جلیل - نامه ی شیراز.
- علامه نسابه ابوالحسن عمری، المجدی.
- علی بن حمزه (ع)، دکتر محمد مهدی فقیه بحرالعلوم، بهمن ۱۳۸۸.
- عیسی ابن جنید شیرازی- تذکره ی هزار مزار.
- فارس نامه ناصری.
- کمالی سروستانی، کوروش، دانشنامه‌ی آثار تاریخی فارس
- گنجینه دانشمندان، جلد ۵.

